

اروپا و واقعیت‌های جدید

پس از بازگشت رهبران اتحادیه اروپا از تعطیلات تابستانی، آن‌ها با یک برنامه فشرده و ضروری مواجه هستند که شامل تقویت آمادگی اتحادیه برای درگیری‌ها و افزایش رقابت‌پذیری اقتصادی است.

در چند دهه گذشته، اتحادیه اروپا به قدرت اقتصادی به‌عنوان جایگزینی برای قدرت سخت تکیه کرده است. اما در عصر کنونی که تنش‌های ژئوپلیتیکی به شدت افزایش یافته‌اند، این قدرت نرم دیگر کافی نیست. جنگ اوکراین به وضوح این موضوع را نشان داده است. این جنگ نه تنها باور قدیمی جنگ‌های تمام‌عیار در اروپا که مربوط به گذشته است را به چالش کشیده، بلکه محدودیت‌های استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تغییر رفتار کشورها را نیز نمایان کرده است. به‌رغم یکی از شدیدترین رژیم‌های تحریمی در تاریخ، اقتصاد روسیه در دو سه‌ماه ابتدایی سال جاری به ترتیب ۵/۴ درصد و ۴ درصد رشد داشته که بالاتر از میانگین جهانی است. یکی از دلایل اصلی این تاب‌آوری اقتصادی، توانایی روسیه در دور زدن تحریم‌ها و به دست آوردن کالاهای محدودشده، از جمله محصولات دفاعی و فناوری‌های پیشرفته است. به‌طور خاص، بیش از نیمی از تجهیزات نظامی که روسیه بین فوری و آگوست ۲۰۲۲ به دست آورده، شامل قطعاتی است که در اروپا یا ایالات متحده تولید شده‌اند. همچنین، بیشتر نیمه‌هادی‌هایی که از چین و هنگ‌کنگ به روسیه صادر می‌شوند - تجاری که از آغاز جنگ ۱۰ برابر شده است - تولیدکنندگان آمریکایی در تولید آن‌ها نقش دارند.

با این حال، شرکت‌های غربی که این کالاهارا تولید می‌کنند، سود زیادی از این تجارت نمی‌برند زیرا معاملات عمدتاً از طریق شبکه‌های پیچیده‌ای با کشورهای ثالث انجام می‌شود. کشورهای واسطه‌ای مانند ارمنستان، آذربایجان، گرجستان، ترکیه و برخی کشورهای آسیای مرکزی، پس از تهاجم روسیه، تجارت خود را با هر دو طرف، روسیه و اروپا، به‌طور قابل توجهی افزایش داده‌اند. به‌عنوان مثال، قزاقستان که صنعت فناوری کوچکی دارد، صادرات فناوری خود به روسیه را از ۴۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱ به ۲۹۸ میلیون دلار در سال ۲۰۲۳ افزایش داده است.

موقعیت روسیه در دور زدن تحریم‌ها، که معمولاً به هزینه‌های بالای برای شرکت‌های غربی همراه است، سیاست‌گذاران اروپایی را به چالش کشیده است. علاوه بر این، کشورهای واسطه نقش مهمی در حفظ قدرت صادراتی روسیه دارند. در حالی که اتحادیه اروپا تلاش می‌کند وابستگی انرژی خود به روسیه را کاهش دهد، اغلب مجبور است سوخت تصفیه‌شده روسیه را با قیمت‌های بالاتر از کشورهای ثالثی مانند هند وارد کند. حتی در زمینه واردات مستقیم انرژی، بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا همچنان به روسیه متکی هستند. برای مثال، اتریش اکنون ۹۸ درصد از گاز طبیعی خود را از شرکت دولتی انرژی روسیه، گازپروم، تأمین می‌کند و این وابستگی از آغاز جنگ اوکراین افزایش یافته است. علاوه بر این، واردات گاز طبیعی مایع (LNG) اتحادیه اروپا از روسیه بین سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۳ ۳۷۷/۰۲۰۳ درصد افزایش یافته است. با توجه به اینکه LNG به‌طور خاص گران است، این امر هزینه‌های انرژی را بیشتر کرده و اختلافات داخلی را تشدید کرده است.

شکست اتحادیه اروپا در به‌روزرسانی چارچوب انرژی پراکنده و واکنشی خود، آن را ناتوان از ایجاد توازن میان ملاحظات ژئوپلیتیکی و واقعیت‌های اقتصادی کرده است. این وضعیت نه تنها قدرت نرم اتحادیه اروپا را تضعیف کرده، بلکه توانایی آن برای سرمایه‌گذاری در تقویت قدرت سخت را نیز کاهش داده است. در این شرایط، ماریو دراگی، رئیس سابق بانک مرکزی اروپا و نخست‌وزیر سابق ایتالیا، در گزارشی که به تازگی منتشر شده، به نیاز به بازنگری اساسی در اولویت‌ها و سیاست‌های اروپا تأکید دارد. او پیشنهاد می‌کند که اتحادیه اروپا باید از رویه مسدود کردن ادغام‌ها به دلیل نگرانی‌های رقابتی دست بردارد و به جای آن، یک رژیم جدید برای نظارت بر ادغام‌های مشکل‌ساز پس از وقوع آنها معرفی کند. همچنین، دراگی معتقد است که اتحادیه اروپا باید به‌طور فوری پایگاه صنعتی خود را تقویت کند، چارچوب نظارتی خود را ساده کند و سرمایه‌گذاری در دفاع و نوآوری را افزایش دهد. بدون این اصلاحات، اتحادیه اروپا در معرض خطر عقب‌ماندگی بیشتر خواهد بود، به‌ویژه اگر دونالد ترامپ برای دور دوم به ریاست‌جمهوری آمریکا برگردد، که ممکن است به کاهش اعتماد به ایالات متحده به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد و آسیب‌پذیری بیشتر اروپا منجر شود.



جاناتان کوک

تحلیلگر مسائل فلسطین

ترجمه: آریا صدیقی / با گذشت نزدیک به یک سال از اولین نسل‌کشی زنده دنیا - که از غزه شروع شد و به سرعت در کرانه باختری اشغالی در حال گسترش است - رسانه‌های غربی هنوز از استفاده از اصطلاح «نسل‌کشی» برای توصیف بیدادگری اسرائیل اجتناب می‌کنند. هر چه نسل‌کشی بدتر شود، محاصره و حمله غزه طولانی‌تر ادامه یابد و پنهان کردن دردها و رنج‌ها سخت‌تر شود، پوشش خبری کمتری از غزه مشاهده می‌شود. در این میان بدترین عملکرد را بی‌بی‌سی داشته است. این شبکه تنها شبکه خبری دولتی بریتانیا است. بی‌بی‌سی قرار است در برابر مردم بریتانیا که طبق قانون ملزم به پرداخت هزینه مجوز آن هستند، پاسخگو باشد. به همین دلیل است که تماشای رسانه‌های میلیاردر در روزهای اخیر در مورد «سوگیری بی‌بی‌سی» - نه علیه فلسطینی‌ها، بلکه علیه اسرائیل - بسیار مضحک است.

بله! درست شنیدید. ما در مورد همان بی‌بی‌سی صحبت می‌کنیم که به تازگی یک تیتیر دیگر منتشر کرد؛ این بار پس از شلیک یک تکرانداز اسرائیلی به سر یک شهروند آمریکایی از ذکر اینکه چه کسی او را کشت، امتناع کرد. هر خواننده معمولی می‌توانست از این نوع پوشش خبری که در آن گفته شد «یک فعال حقوق بشر آمریکایی در کرانه باختری اشغالی به ضرب گلوله کشته شد» اینطور استنباط کند که ضارب یک مرد مسلح فلسطینی است. به هر حال، فلسطینیان، توسط حماس، که توسط دولت بریتانیا «به‌عنوان یک سازمان تروریستی معرفی شده است» نمایندگی می‌شوند و این چیزی است که بی‌بی‌سی مدام به مخاطبانش یادآوری می‌کند. و همین بی‌بی‌سی ظاهراً «ضداسرائیلی» است که هفته گذشته تلاش کرد تا در مسیر تلاش‌های ۱۵ سازمان امدادی موسوم به کمیته اضطراری بلاهای طبیعی (DEC) اختلال ایجاد کند. آنها قصد داشتند یک جمع‌آوری کمک مالی بزرگ از طریق شبکه‌های تلویزیونی انجام دهند. هیچ‌کس در مورد اینکه چربی بی‌بی‌سی تا این حد تبلیغی به مشارکت ندارد دچار توهم نمی‌شود. احتمالاً از نظر بی‌بی‌سی، نجات جان کودکان فلسطینی با نجات جان کودکان اوکراینی تفاوت دارد.

مشت‌گرفته‌ها به نفع اسرائیل

دلیل اینکه اسرائیل قادر به انجام نسل‌کشی است و رهبران غربی نیز همچنان از آن حمایت می‌کنند دقیقاً این است که رسانه‌های غربی دائماً به نفع اسرائیل فریاد می‌زنند و خوانندگان و بینندگان غربی نمی‌دانند که اسرائیل در حال انجام جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت در غزه و کرانه باختری اشغالی است، چه رسد به یک نسل‌کشی. روزنامه‌نگاران ترجیح می‌دهند رویدادهای غزه را به‌عنوان یک «بحران بشردوستانه» تعریف کنند، زیرا این امر مسئولیت اسرائیل را برای ایجاد بحران از بین می‌برد. این نوع پوشش خبری صرفاً شامل گزارش رنج و درد فلسطینیان می‌شود و به‌هیچ‌وجه به علل بروز این درد و رنج نمی‌پردازد. بدتر از آن، همین روزنامه‌نگاران مدام با ادعاهای متقابل بی‌پهلو انگشتان را در چشم منتقدان فرمی‌کنند تا نشان دهند که اسرائیل در واقع قربانی است، نه عامل بحران.



جاناتان کوک

تحلیلگر مسائل فلسطین

دلیل اینکه اسرائیل قادر به انجام نسل‌کشی است و رهبران غربی نیز همچنان از آن حمایت می‌کنند

دقیقاً این است که

رسانه‌های غربی دائماً

به نفع اسرائیل فریاد

می‌زنند و خوانندگان

و بینندگان غربی

نمی‌دانند که اسرائیل

در حال انجام جنایات

جنگی و جنایت علیه

بشریت در غزه و

کرانه باختری اشغالی

است، چه رسد به

یک نسل‌کشی.

روزنامه‌نگاران ترجیح

می‌دهند رویدادهای

غزه را به‌عنوان یک

«بحران بشردوستانه»

تعریف کنند

جنگ غزه و

چطور حمایت شفاهی و مالی از نسل‌کشی

کمپین ارباب

حکم اولیه دادگاه جهانی درباره نسل‌کشی اسرائیل موضوعی حیاتی است که باید سرلوحه و مرکز هر خبر رسانه‌ای درباره غزه باشد. در عوض، معمولاً این مسئله ذکر نشده است، یا در انتهای گزارش‌ها پنهان می‌شود، و چه کسی یک گزارش را تا انتها می‌خواند؟ بی‌بی‌سی به طرز عجیبی هیچ پوششی درباره پرونده نسل‌کشی ارائه‌شده در ژانویه به دادگاه جهانی توسط آفریقای جنوبی نداد. اما بی‌بی‌سی در دوره چهارماهه اول بحران غزه، ۱۹ اشاره به «نسل‌کشی» حماس داشته است و این ایده که حماس قادر به «نسل‌کشی» علیه اسرائیل یا یهودیان است، به همان اندازه غیرواقعی است که این تصور که در ۷ اکتبر «نوزادان را سر برید» یا ادعاهایی که هنوز هیچ مدرکی ندارند؛ مبنی بر اینکه مرتکب «تجاوز دسته‌جمعی» شده است. حماس، یک گروه مسلح متشکل از هزاران جنگجو است که در حال حاضر توسط یکی از قوی‌ترین ارتش‌های جهان در غزه محاصره شده است و به‌طور قطع قادر به ارتکاب نسل‌کشی علیه اسرائیلی‌ها نیست. البته به همین دلیل است که دادگاه جهانی حماس را برای نسل‌کشی مورد بازخواست قرار نمی‌دهد.

هیچ‌کس واقعاً ادعاهای مربوط به نسل‌کشی حماس را جدی نمی‌گیرد. زمانی که این گروه در روز ۷ اکتبر موفق شد برای یک روز از «اردوگاه کار اجباری غزه» بیرون برود، همه جهان را به حیرت واداشت. این ایده که حماس می‌تواند هر کاری بدتر از آن انجام دهد - یا حتی حمله را تکرار کند - توهم است. بهترین کاری که حماس می‌تواند انجام دهد این است که یک جنگ فرسایشی چریکی علیه ارتش اسرائیل از تونل‌های زیرزمینی خود به راه بیندازد؛ که دقیقاً همان کاری است که دارد انجام می‌دهد.

در همان دوره چهار ماهه اول، بی‌بی‌سی ۲۲ بار از واژه «جنایت علیه بشریت» برای توصیف اقدامات حماس در هفتم اکتبر استفاده کرد؛ در حالی که تنها ۱۵ بار برای توصیف جنایات بدتر اسرائیل که به‌طور مداوم در سال گذشته مرتکب شده، از عبارت جنایت علیه بشریت استفاده کرده است.

آنچه بی‌بی‌سی و بقیه رسانه‌های جریان اصلی کم‌اهمیت جلوه می‌دهند، نه تنها حقایق نسل‌کشی اسرائیل در غزه، بلکه قصد نسل‌کشی آشکار رهبران اسرائیل، جامعه اسرائیل و توجیه این عمل در بریتانیا و کشورهای دیگر است. اینکه اسرائیل در غزه نسل‌کشی می‌کند، اساساً نباید مورد شک واقع شود چرا که همه در اسرائیل از نخست‌وزیرش تا بقیه، در عمل و گفتار ثابت کرده‌اند که به‌دنبال نسل‌کشی هستند.

نمونه‌هایی از این اظهارات مبنی بر نسل‌کشی رهبران اسرائیل صفحاتی از پرونده آفریقای جنوبی در دادگاه را شکل داده است. برای مثال بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، فلسطینی‌ها را به‌عنوان «عمالق» توصیف کرد. این کلمه اشاره‌ای است به داستان کتاب مقدس درباره قومی که بی‌دلیل به یهودی‌ها حمله می‌کند.

این داستان برای هر بچه مدرسه‌ای در اسرائیل شناخته‌شده است. در کتاب‌ها به اسرائیلی‌ها دستور داده شده است که کل مردمان این قوم، از جمله فرزندان و دام‌هایشان را از بین برده و از روی زمین محو کنند.

هر کسی که در رسانه‌های اجتماعی درگیر باشد با مجموعه‌ای از بیانیتهای مشابه حمایت از نسل‌کشی از سوی طرفداران عمدتاً ناشناس اسرائیل مواجه خواهد شد. کلیپ‌های ویدئویی دو اسرائیلی که به زبان انگلیسی تحت عنوان «دو پسر خوب یهودی» بخش می‌شوند، در فضای مجازی ویرال شده‌اند و دو نفر را نشان می‌دهند که خواستار نابودی مردان، زنان و کودکان فلسطینی هستند. در یکی از پادکست‌های حامی اسرائیل گفته شده که مردم اسرائیل هیچ اهمیتی نمی‌دهند که آیا شیوع فلج اطفال ناشی از تخریب تأسیسات آب، فاضلاب و بهداشت غزه توسط اسرائیل منجر به مرگ نوزادان می‌شود یا خیر. آنها تأکید می‌کنند که موافقت اسرائیل با کمپین واکسیناسیون سازمان ملل صرفاً به دلیل حفظ ظاهر است. در یک کلیپ دیگر، تأکید شده که گروه‌های فلسطینی در زندان‌های اسرائیل مستحق این هستند که «با فشار دادن بیش از حد یک شی به بالای باسن شان اعدام شوند». آنها همچنین تصریح می‌کنند که از فشار دادن دکمه نسل‌کشی برای محو کردن مردم فلسطین دریغ نخواهند کرد: «اگر شما دکمه‌ای را به من می‌دادید که غزه را پاک کنم طوری که تک‌تک موجودات غزه دیگر فردا زندگی نکنند، آن را فشار می‌دهم. فقط در یک ثانیه. من فکر می‌کنم اکثر اسرائیلی‌ها این کار را خواهند کرد.»

نهایی بی‌پایان

بهراحتی می‌توان از چنین اظهارنظرهای غیرانسانی نگران شد، اما خشم ایجادشده توسط این پادکست ممکن است یک نکته را به حاشیه براند و این اینکه آنها کاملاً نماینده وضعیت فعلی جامعه اسرائیل هستند. آنها در حاشیه نیستند. آنها پرت نیستند. آنها کاملاً در جریان اصلی قرار دارند. در واقع شهروندان اسرائیلی نیز اقدامات ارتش اسرائیل را که به‌طور سیستماتیک آسرای فلسطینی را مورد ضرب و شتم و لواط قرار می‌دهند، کودکان فلسطینی را در غزه با شلیک گلوله به سر می‌کشند، دانشگاه‌ها و مساجد را منفجر می‌کنند و به اجساد فلسطینی‌ها هتک حرمت می‌کنند و به غزه گرسنگی می‌دهند، تشویق می‌کنند.

پس از انتشار ویدئویی از گروهی از سربازان که یک اسیر فلسطینی را در اردوگاه شکنجه و هتک حرمت می‌کنند، در استودیوهای تلویزیونی اسرائیل بحث بر سر این بود که آیا سربازان باید اجازه داشته باشند درباره تجاوز به فلسطینیان در بازداشت تصمیم بگیرند یا اینکه آیا چنین تجاوزاتی باید توسط دولت به عنوان بخشی از برنامه شکنجه معرفی شود یا خیر. یکی از سربازانی که در پرونده تجاوز گروهی متهم شده بود، پس از حمایت خبرنگارانی که

